

ادامه از صفحه ۲

بالاگرفتن مناقشات بر سر «شعسا»

گویا عده‌ای حاکم بی حکم، در شورای عالی فرمانروایی می‌کردند و هر کجا کم می‌آوردند آقای خاتمی را خرج می‌کردند و هرگونه انتقاد به شورای عالی سیاست‌گذاری را تضعیف آقای خاتمی قلمداد می‌کردند...
ایجاد یک جبهه واحد واقعا خنده‌دار است. شورای عالی فضایی بود که برخی فعالیت‌های پشت پرده خود را به نام اصلاح طلبی انجام دهند.

در مقابل چنین انتقادهایی محمود میرلوحی، از اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری، به دفاع از عملکرد این شورا پرداخته و گفته است: «شورای عالی در هر دو دوره‌اش موفق عمل کرد. حتی به نظر من در دوره اخیر یعنی فعالیتش در انتخابات مجلس یازدهم هم قابل قبول بود زیرا بعد از ردصلاحیت‌های گسترده اصلاح‌طلبان شورای عالی توانست موضع‌گیری بجا و دقیقی داشته باشد و همه دوستان پای حرفشان ایستادند و زمانی که احساس کردند در انتخابات رقابتی شکل نمی‌گیرد گفتند که لیست نمی‌دهیم و هیچ لیستی از سوی شورای عالی ارائه نشد. بعد از انتخابات مجلس هم که کشور درگیر کرونا شد و با استعفاى آقایان عارف و موسوی‌لاری تاکنون جلسه‌ای تشکیل نشده است».

او به سخنان منتجب‌نیا و حکیمی‌پور واکنش نشان داد: «درحال‌حاضر که وقت زیادی تا انتخابات نمانده است و در وضعیت کرونا هم قرار داریم بهترین راه همین است که با شورای عالی جلو برویم. آقای منتجب‌نیا و آقای حکیمی‌پور که می‌گویند یک ساختار دیگری باید ایجاد شوند و شورای عالی فایده ندارد از مدل بی‌عیب و نقص خود رونمایی کنند تا ما هم بدانیم چه راهی باید در پیش بگیریم. فقط منتقدبودن که کاری از پیش نمی‌برد. ما می‌گوییم در حال حاضر با همین سازوکار می‌شود وارد انتخابات ۱۴۰۰ شد و حالا که دوستان انتقاد دارند بگویند که باید چه کرد؟».

این اختلاف‌نظرها در حالی است که شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان چند ماهی می‌شود که رئیس و نایب‌رئیس ندارد و باید دید که در وضعیتی که چند ماهی تا انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ باقی نمانده امکان احیای این تشکیلات وجود دارد یا خیر!

شرق: پایان انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و پیروزی دموکرات‌ها و همچنین انتخابات پیش‌رو در ایران، ما را بر آن داشت تا با فعالان سیاسی گفت‌وگوهایی را صورت دهیم. اسدالله بادامچیان از پایه‌گذاران مؤتلفه است و هم‌اکنون دبیرکلی حزب مؤتلفه اسلامی را بر عهده دارد و نمایندگی مردم تهران در مجلس را تجربه کرده است. اکنون این حزب، مصطفی میرسلیم، رئیس شورای مرکزی این حزب را در بهارستان دارد. مؤتلفه با میرسلیم می‌توانست ریاست مجلس یازدهم را به دست آورد، اما نمایندگان پارلمان به محمداقبر قالیباف روی خوش نشان دادند. پرسش‌ها برای دفتر آقای بادامچیان به طور کلی فرستاده شد و ایشان به صورت مکتوب و با دستخط خودشان به سؤالات پاسخ دادند به همین دلیل نشد که این گفت‌وگو به طور جالبی انجام شود؛ هرچند دفتر ایشان قول داده بعد از عادی‌شدن شرایط و کاهش ویروس کرونا ترتیب یک مصاحبه حضوری با جناب بادامچیان را بدهد. در ادامه این گفت‌وگورا می‌خوانید.

کافضای سیاسی کشور بعد از شروع به کار مجلس یازدهم را چگونه تحلیل می‌کنید؟

فضای سیاسی کشور پس از شروع به کار مجلس یازدهم مشخص است، مجلس با ترکیب جدیدی شروع شده است. معمولا شش ماه اول هر مجلسی، صرف آشنایی نمایندگان محترم با وظایف روز نمایندگی ملت می‌شود. انتظار از مجلس فراوان است. مجلس یازدهم ادامه مجلس دهم نیست؛ کارش دشوار است، زیرا عملکرد دوستان اصلاح‌طلب در مجلس دهم که همراه با دولت اصلاح‌طلبان اعتدالی، در شورای شهر تهران و شهردار اصلاح‌طلب بود کار را به جایی رساند که در انتخابات اسفند ۹۸ مجلس، آرای اصلاح‌طلبان با وجود چهره‌هایی مانند جناب آقای مجید انصاری که شناخته‌شده هستند، به‌شدت فروکاهید و مجلس یازدهم ترکیب تازه‌ای یافت و ضرورتا فضای سیاسی کشور تغییر یافت و در آینده هم بیشتر تغییر می‌یابد.

ناراضیانی شدید ملت از دولت اصلاح‌طلب فعلی نیز راهی جز تغییر دولت از این جریان به یک جریان سیاسی دیگر باقی نگذاشته است و فضای سیاسی در سطح دولت هم تغییرات گسترده و عمیق را اقتضا کرده است. شورای شهر تهران که تابلوی شوراهای اسلامی شهر و روستا است و شهردار فعلی نیز دارای موقعیت اجتماعی نیست، تغییرات اساسی در آن رخ خواهد داد. حرکت نظام جمهوری اسلامی نیز در جهت کام دوم انقلاب اسلامی و آغاز چهل‌م دوم است و بیانه گام دوم، منشور این گام جدید و تکاملی نظام است، پس فضای سیاسی کلا اقتضای تحولی گسترده را در بر دارد.

در این رابطه جریان‌ها، تشکل‌ها، احزاب و نهادهای، سیاسی نیز دستخوش تحول و تغییر می‌شوند که اگر زمان‌شناس و عالم به زمان و به‌روز نباشند در محاق خواهند رفت؛ به‌ویژه جریان‌ها و مجموعه‌های سیاسی که در جهت فروریزی و فروکاهیدن هستند مانند اصلاح‌طلبان یا در خود تحولی مطابق با مقتضیات زمان و فضای سیاسی به وجود می‌آورند و فعال می‌مانند یا مانند جریان‌های سیاسی پایان‌یافته، در مسیر پایانی سیر خواهند کرد.

در چنین شرایطی جریان‌ات فروکاهیده دچار چند بخش می‌شوند؛ نخست: افراطی‌ها که خشونت و تندى در کلام و مکتوب آنها افزایش می‌یابد و هر روز دچار پس‌رفتگی تا حد سقوط می‌شوند. نمونه‌هایش را در اصلاح‌طلبان افراطی و مصاحبه‌ها و نامه‌های آنان مشاهده می‌کنند. دوم، وامانده‌ها، به‌اصطلاح

سیاست

گفت‌وگو با اسدالله بادامچیان درباره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و ۱۴۰۰ ایران

نیکسون هم در برابر مائو تغییر سیاست داد



بریده‌ها که در گرداب درگیری‌های درونی و روحی، خود را از دست داده و به انزوا می‌روند. سوم: اعتدالیون، که سعی می‌کنند راه صحیح را یافته براساس آن طی طریق به طور سلامت و سالم داشته باشند، ولی در همان فضای سیاسی باقی می‌مانند. چهارم: بازگشته‌ها که از مسیر مشکل‌زای گذشته بازمی‌گردند و راه صحیح و به‌روز را انتخاب می‌کنند.

در چنین شرایطی، «جریان ظهوریافته» اگر صحیح و خردورانه عمل کند، موفق می‌شود فضای سیاسی کشور و رضایت مردم را به دست بیاورد و ثبات در فضای سیاسی کشور ایجاد کند. اگر افراطی یا با غرور عمل کند، شکست آن حتمی بوده و جای خود را به گروه فروکاهیده نمی‌دهد و جریان و فعالان جایگزین، فضای سیاسی آینده را خواهند ساخت. امیدوارم آنها که به تعهدات اسلام، امامت و ولایت متعهدند و آنها که بیشتر دلبسته استقلال، عزت و عظمت میهن و کشور و ملت ایران هستند، با شناخت کامل فضای جدید سیاسی، اجتماعی و... بهترین راه را انتخاب و به آن عمل کنند.

کاحزاب و فعالان سیاسی کم‌کم خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کنند، ارزیابی شما درباره انتخابات ۱۴۰۰ چیست؟

انتخابات ۱۴۰۰، بنا بر تحلیل بالا، اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری از انتخابات گذشته دارد. به نظر می‌رسد حضور هم بیشتر وجدی‌تر خواهد بود. توده مردم مایل‌اند از مشکلات به‌وجودآمده که آن را نتیجه عملکرد اصلاح‌طلبان در دولت و مجلس دهم و شورای اسلامی شهر و شهرداری می‌دانند، نجات یابند و استقلال و عزت و عظمت ایران ارتقا پیدا کند و شکوه و اقتدار ایران اسلامی افزایش یابد و حضور قابل قبولی خواهند داشت. از طرف دیگر جریان‌های سیاسی هم می‌خواهند نقش خود را و حتی نقش برتر خود را ایفا کنند. اصلاح‌طلبان هم به صحنه خواهند آمد، زیرا با هر بهانه اگر در انتخابات شرکت نکنند دلیلی بر عدم موقعیت آنها و ازین‌رفتن هویت آنها در بین مردم خواهد بود. این قبول «ضربه فنی سیاسی» است و نوعی «خودکشی سیاسی» و واگذارکردن میدان به دیگران است و ناامیدکردن باقی‌مانده اصلاح‌طلبان، از دست‌دادن فرصت استفاده از آرا و انتخابات و مهر پایانی به جریان اصلاح‌طلبی و اصلاحات. عقلاى این جریان، دعوت به شرکت در انتخابات ۱۴۰۰ خواهند کرد. به احتمال قوی مردم به جریان جدیدی رای خواهند داد، ولی به‌هرحال عدم حضور، اعلام شکست نهایی در جریانى خواهد بود که در انتخابات شرکت نخواهد کرد.

حزب مؤتلفه اسلامی در انتخابات شوراها، در استان‌ها با ائتلاف استانی در فعالیت است و در انتخابات ریاست‌جمهوری معتقد است که دولت حزبی، بهتر از دولتی است که به دست شخصیتی منفرد و بی‌بهره از پشتوانه حزبی تشکیل

شود؛ بنابراین ایده «دولت حزبی» را برای حل مشکلات کشور و پیشرفت بهتر براساس برنامه‌های کارشناسی‌شده حزبی و تیم هماهنگ حزبی مفیدتر می‌داند.
کافضای سیاسی کشور بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا را چگونه می‌بینید؟

آشفستگی آمریکا در سطح مردم آن کشور و اختلاف شدید بر سر قدرت در جمع مردان خاکستری آمریکا و بحران همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی فرهنگی و حتی کروناپی، آینده آمریکا و وابستگان به آمریکا را برهم زده و فضای آن را تیره‌وار کرده است. درباره تأثیرات آن بر فضای سیاسی ایران، چند محور می‌تواند مدنظر باشد؛ اول، در کشوری که دارای قدرت و حضور بین‌المللی است، امور به عهده یک نفر ولو رئیس‌جمهور نیست که با تغییر آن، کلا سیاست‌ها و راهبردهای کلی آن کشور تغییرات اساسی یابد. مردان خاکستری هستند که آنها قدرت را اداره می‌کنند، رئیس‌جمهور در واقع نوعی «مدیرعامل اختیاردار» است که تأثیر توانایی و عدم توانمندی او در حد خودش اثرات مثبت و منفی دارد. بنابراین رفت‌وآمد اشخاص تأثیر اساسی در سیاست‌های کلی آمریکا و نیز در سیاست‌های اصولی و اساسی ایران ندارد، مگر آنکه شخصی را آن تصمیم‌گیران پشت‌پرده برای تغییرات اساسی سیاسی آورده باشند که اوضاع تفاوت خواهد کرد. دوم، در فضای سیاسی و ذهنیت‌های مردم ایران، اقتضاح انتخاباتی آمریکا در دعواى ترامپ و بایدن، در حال باطل‌کردن غرب‌گرایی و غرب‌زدگی و نظر مساعد به نظام لیبرال‌دموکراسی کاپیتالیستی آمریکایی است و نگرش کاملاً جدیدی نسبت به غرب و روابط ایران و آمریکا در اذهان مردم پدید آورده است. این نگرش افکار عمومی، در آینده بر سیاست‌ها و سیاست‌مداران ایران در انتخاب سیاست‌های مطابق با اقتدار نظام و استقلال همه‌جانبه و منافع و مصالح کشور و ملت اثرات شگرفی خواهد داشت. سوم، تنزل آمریکا، بر اثر بحران‌های اقتصادی، سیاسى، فرهنگی، اجتماعی و کروناپی که برخی از صاحب‌نظران، آن را آستانه فروپاشی به شیوه شوروی می‌دانند کسانی را که در ایران هنوز تصورات خاصی نسبت به آمریکا داشتند به آمریکا و اصولا غرب بی‌اعتماد کرده است و بحث‌های مذاکره با آمریکا به سبک سابق حالت استهزایی به خود گرفته است. این فضای سیاسی، برای جریان‌های گوناگون به‌ویژه اصلاح‌طلبان و علاقه‌مندان به لیبرال‌دموکراسی حائز اهمیت در سیاست‌گذاری‌های آینده است. چهارم، فرقی نمی‌کند ترامپ رئیس‌جمهور بعدی آمریکا باشد یا بایدن، به‌هرحال رئیس‌جمهوری ضعیف، آلوده و گرفتار مشکلات فراوان خواهد بود. این دو در مناظره‌ها، یکدیگر را دروغگو، فریبکار، رشوه‌گیر، احمق و دارای سایر صفات رذیله‌ای که نثار هم می‌کردند، معرفی کردند. نداشتن استحکام در رای‌آوری نیز مزید بر این مشکلات است، طبعاً چنین عصری برای آمریکا و مردم آمریکا و در انتظار کشورها و ملت‌های دیگر فردی کم‌آبرو، سست و بی‌اعتبار خواهد بود. خروج ترامپ از برجام نیز اعتباری برای تعهدات و قراردادهای آمریکا باقی نگذاشته است. پدیدارشدن چین و روسیه و هند و ایران به صورت قدرت‌های منطقه در فضای سیاسی ایران و جهان، تأثیر منفی بر موقعیت آمریکا و اروپا خواهد داشت. در چنین شرایطی احتمال گردش سیاسی آمریکا بعید نیست؛ همان‌طور که نیکسون در برابر مائو سه‌تسه تغییر سیاست داد. ملت هوشمند ایران، با رهبر اندیشمند و شجاع خود، فضای موجود را به‌خوبی می‌شناسند. این فعالان سیاسی هستند که باید شرایط حال و آینده را در ایران و فضای بین‌الملل بشناسند و راه‌های صحیح را انتخاب کنند.

گزارش

انتشار تصویر اعطای نشان به شهید فخری‌زاده توسط رئیس‌جمهوری



● شرق: معاون دفتر رئیس‌جمهوری با انتشار تصویر از اعطای نشان درجه دو خدمت به شهید فخری‌زاده توسط رئیس‌جمهوری به ادعای جواد کریمی‌قدوسی، نماینده اصول‌گرای مجلس که به جبهه پایداری نزدیک است، پاسخ داد. کریمی‌قدوسی در توییت خود مدعی شده بود: «با اصرار دشمن و تأکید حسن روحانی، محسن فخری‌زاده با آمانو، مدیر کل پیشین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ملاقات کرده است.» جالب آنکه محتوای این توییت توسط کانال رجانیز نزدیک به جبهه پایداری تکذیب شد. علیرضا معزی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری در حساب کاربری خود در توییتر با انتشار تصویری از لحظه قدردانی حسن روحانی از شهید محسن فخری‌زاده، نوشت: «۱۹ بهمن ۹۴ در بی‌نشانی و گمنامی ناگزیر، نشان خدمت بر سینه فخر ایران نشست؛ اما حالا که تدرور و نفرت دژخیمان، سرمایه‌ای بی‌بديل را از ایران ستانده، وقش رسیده است که بیشتر از او بشنویم. این تصاویر یکی از صدها ناگفته برجام است که برای نخستین بار فرصت انتشار می‌یابد». به گزارش ایسنا، رئیس‌جمهوری ۱۹ بهمن ۹۴ در مراسمی به تعدادی از افسرانی که در روند شکل‌گیری توافق‌نامه برجام و پیش از آن در توسعه و بالندگی صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای کشور نقش مؤثر ایفا کرده بودند، نشان خدمت اعطا کرده بود. روز گذشته سخنگوی دولت هم درباره اظهارات افرادی که مدعی شده بودند شهید فخری‌زاده به اصرار دولت با آمانو دیدار داشته است، گفت: «همان‌طور که پیش از این مسئولان سازمان انرژی اتمی رسماً گفته‌اند، شهید فخری‌زاده هیچ‌گاه با هیچ مقامی از آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای دیدار و مذاکره نکرده است. شهید فخری‌زاده از ابتدای دهه ۱۳۸۰ و در جریان مذاکرات هسته‌ای با سه کشور اروپایی به نوعی در مذاکرات شرکت داشت و چهره‌ای شناخته‌شده بود. سوءاستفاده سیاسی از شهدا و آغشته‌کردن نام آنها به دروغ و تهمت با انگیزه‌های سیاسی نگران‌کننده است و نوعی جفا در حق آنهاست».

ریموند ویل

RAYMOND WEIL

GENEVE

SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran